



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

امام صادق علیه السلام

و اندیشه های صوفیان

محمد جواد طبسی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام صادق علیه السلام و اندیشه‌های صوفیان

نویسنده:

محمد جواد مروجی طبسی

ناشر چاپی:

www.sibtayn.com

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام صادق علیه السلام و اندیشه‌های صوفیان
۶	مشخصات کتاب
۶	صوفیگری
۸	سفیان ثوری
۸	راهزنان امت اسلامی
۹	پاورقی
۹	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام صادق علیه السلام و اندیشه‌های صوفیان

مشخصات کتاب

نویسنده: محمد جواد مروجی طبسی

ناشر: www.sibtayn.com

صوفیگری

از جمله تفکراتی که در زمان امام صادق (علیه السلام) پیدا شد و کم‌کم شکل گرفت، جریان خطرناک و انحرافی صوفیگری بود، که با ظاهری فریبنده دست به عوام فریبی و گمراه کردن مردم زد. محقق اردبیلی درباره پیدایش صوفیه می‌نویسد: به نقل از شیعه و سنی، اولین کسی را که صوفی نامیدند «ابوهاشم کوفی بود، چون او مانند رهبانان جامه‌های پشمینه درشت می‌پوشید. آن ملعون مثل نصاری قائل به حلول و اتحاد بود. [۱] و در کتاب اصول الدیانات آمده است که او در ظاهر اموی و جبری بود و در باطن ملحد و دهری. هدف او نابودی دین اسلام بود. از ائمه معصومین علیهم‌السلام چند حدیث در طعن او وارد شده است. پیروان او را چون صوف «لباس پشمی می‌پوشیدند، صوفیه گفته‌اند. [۲]. شاید منظور محقق اردبیلی این است که اولین کسی که در اسلام «صوفی» نامیده شد، ابوهاشم کوفی بود و الا به گفته سید جزایری (ره) این کلمه نخست بر گروهی از حکمای کج اندیش و منحرف اطلاق می‌شد، سپس بر گروهی از زنادقه و بی‌دینان هندو و براهمه استعمال شد و پس از اسلام بر گروهی از کژاندیشان مثل حسن بصری، سفیان ثوری و ابوهاشم کوفی و همقطاران‌شان که از نظر فکر و اندیشه در مقابل اهل بیت عصمت و طهارت قرار گرفته بودند، اطلاق شد. امام صادق (علیه السلام) در برابر انحراف فرهنگی صوفیه موضع گرفت و نخست به هدایت و راهنمایی رهبران آنها پرداخت. اما چون آنان بر عقاید انحرافی خود اصرار می‌ورزیدند. حضرت به ناچار وارد مرحله شدیدتری شد و دست به افشاگری چهره‌های خبیث آنها زد. سفیان ثوری و گروهی از زاهد نمایان نزد امام صادق (علیه السلام) آمدند و از لباس امام اشکال گرفتند. سفیان به آن حضرت گفت: «ان هذا لیس من لباسک / راستی که این جامه شما نیست. امام صادق (علیه السلام) فرمود: بشنو و به دل سپار آن چه را به تو می‌گویم که خیر دنیا و آخرت همین است / اگر بر سنت و حق بمیری و بر عقیده بدعت و ناحق نمیری، من به تو خیر می‌دهم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در دوران تنگی و سختی بود، و هرگاه دنیا اقبال کند سزاوارترین افراد برای استفاده از نعمت‌ها نیکانند نه بدکاران، مومنانند نه منافقان، مسلمانانند نه کفار. ای ثوری! چرا انکار کردی و ناروا شمردی؟ من با این وضعی که می‌بینی از روزی که خردمند شدم، شامی بر من نگذشته است که در مالم حقی باشد که خدا به من فرموده باشد آن را در مصرفی برسانم / جز آن که بدان مصرفش رساندم. [۳]. برخی زهد فروشان از پاسخ آن حضرت به سفیان پند گرفته، گفتند: راستی این رفیق ما از سخن شما آزرده شد، زبانش بند آمد و دلیلی به نظرش نیامد. حضرت به آنها فرمود: شما دلیل‌های خود را بیاورید. آنها گفتند: دلیل ما از قرآن است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: آن را حاضر کنید که از هر چیزی به پیروی و عمل سزاوارتر است. گفتند: خدای تبارک و تعالی در مقام توصیف یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، گرچه نیازمند باشند. هر که از بخل نفس خود محفوظ بماند جزو رستگاران است. [۴]. نیز خداوند فرمود: غذای خود را با این که به آن علاقه و نیاز دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند. [۵] ما به همین دو آیه اکتفا می‌کنیم. مردی از حاضران مجلس به آنان گفت: ما شما را ندیده‌ایم که از خوراک خوب دوری کنید. با این حال به مردم فرمان می‌دهید که از مال خود دست بکشند تا شما از آن بهره‌مند شوید! امام صادق (علیه السلام) فرمود: آن چه سودی ندارد، وانهدید. آیا ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه قرآن را می‌دانید؟ هر که گمراه شده، از اینجا گمراه شده و هر که از این امت هلاک شده، از این راه هلاک شده است. در پاسخ

گفتند: بعضی را نمی‌دانیم و همه آن را می‌دانیم. آن حضرت فرمود: به خاطر این نادانی است که گرفتار شدید. احادیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز چنین هستند. (ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه دارند.) اما انفاقی که در آیه فوق آمده است، برای مسلمانان آن عصر مباح بود، آنان به خاطر آن پاداش می‌بردند. ولی آن چه که آنها عمل می‌کردند، به امر خدا نسخ شده است، تا مایه زیان مسلمانانی که افراد ناتوان، کودک و پیران از کار افتاده و سالخورده در خانواده خود دارند که گرسنگی را نمی‌توانند تحمل کنند، نشود. بدین خاطر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اگر کسی می‌خواهد مقداری خرما یا پنج قرص نان یا چند دینار یا چند درهم را به مصرف خیر برساند بهتر این است که آن‌ها را به مصرف پدر و مادر خود برساند و در درجه دوم برای خود و عیالش صرف کند و در درجه سوم به خویشاوندان و برادران مومنش و در درجه چهارم به همسایه‌های مستمندش و در درجه پنجم در راه خدا و جهاد که اجرش از همه کمتر است، به مصرف برساند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره مردی از انصار که هنگام مرگش پنج یا شش بنده خود را آزاد کرد و چیزی برای فرزندان خردسالش باقی نگذاشت، فرمود: اگر این کار او را به من اعلام کرده بودید، نمی‌گذاشتم در گورستان مسلمانان به خاک سپارید. چند کودک خردسال باقی گذاشته است تا از مردم گدایی کنند! قرآن در رد گفته‌ی شما می‌فرماید: آن کسانی که چون انفاق می‌کنند، اسراف نمی‌کنند و بخل نمی‌ورزند. عدالت میان این دو باید رعایت شود. [۶]. آیا نمی‌بینید که خداوند کاری را که شما بدان دعوت می‌کنید، نکوهش کرده است: خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی‌دارد. [۷]. خداوند مردم را از اسراف نهی کرده و به حد وسط فرمان داده است. مسلمان نباید هر چه دارد به دیگران بدهد و پس از آن از خدا روزی خواهد، چون دعایش به اجابت نمی‌رسد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: دعای چند دسته از امتم به اجابت نمی‌رسد: مردی که به پدر و مادرش نفرین می‌کند... و مردی که خداوند به او مال بسیاری می‌دهد و او همه را انفاق می‌کند، سپس به درگاه خداوند دعا می‌کند که پروردگارا، به من روزی بده. خدا می‌فرماید: آیا روزی فراوان به تو ندادم؟! چرا میانه روی نکردی؟ چرا اسراف کردی...؟ سپس خدا به پیامبرش آموخت که چگونه انفاق کند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) یک «اوقیه طلا» داشت و نمی‌خواست که آن را یک شب در نزد خود نگه دارد. بدین خاطر همه آن را صدقه داد. بامدادان سائلی نزد او آمد و آن حضرت چیزی نداشت که به او بدهد. سائل او را سرزنش کرد و آن حضرت غمناک شد. خدا به پیامبرش فرمود: دست خود را میند و بیش از حد نیز دست خود را مگشای که مورد سرزنش قرار می‌گیری و از کار فرومانی. [۸]. بسا که مردمی از تو چیزی بخواهند و تو را معذور ندارند و اگر هر چه داری به دیگران بدهی به زیان مالی دچار شوی. اینها احادیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است که قرآن را تصدیق دارند و قرآن را هم همه اهل آن که مؤمنند، درست دانند... ای جماعت! نمی‌دانم امروز آن چه را برای شما شرح دادم در شما اثر کرد یا... اگر همه مردم آن طور که شما می‌خواهید زاهد باشند و نیازی به متاع دیگران نداشته باشند پس کفاره‌های قسم و نذر و صدقه‌های زکات واجب شتر، گوسفند، گاو، طلا، نقره، خرما، کشمش و دیگر چیزها به چه کسی داده شود؟ چه بد است این عقیده که شما بدان گراییده‌اید و مردم را بدان می‌کشانید! سلیمان بن داود (علیه السلام) از خدا ملکی خواست که احدی را پس از وی نشاید، و خدا آن را به وی داد. او حق می‌گفت و به حق کار می‌کرد. ما نیافتیم که خدا آن را بر وی نکوهش کند و نه یک مومنی را. داود (علیه السلام) پیش از وی سلطنت محکمی داشت. یوسف پیامبر (علیه السلام) به پادشاه مصر گفت: مرا کارگزار همه خزائن کن زیرا من نگهدار و دانا هستم. کارش بدان جا کشید که اداره کشور مصر را به دست گرفت و وسعت حکومتش تا یمن رسید... او نیز حق می‌گفت و به حق کار می‌کرد و ندیدیم احدی را که بر او عیب گیرد. ذوالقرنین بنده‌ای بود که خدا را دوست داشت و خدا هم دوستش داشت و وسایل برایش فراهم کرد و شرق و غرب را در زیر نگینش آورد و حق گفت و حق کار کرد و ندیدیم کسی این را بر او عیب گیرد. ای جماعت! به همان امر و نهی خدا اکتفا کنید و رها کنید آنچه را بر شما اشتباه شده است... علم را به عالم واگذارید تا اجر ببرید و معذور باشید... و در طلب علم ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه قرآن باشید. نادانی را به اهلش وانهدید، زیرا اهل نادانی

بسیارند و اهل دانش کم. [۹].

سفیان ثوری

در انوار نعمانیه آمده است: صوفیان نزد امام صادق (علیه السلام) آمدند. سفیان ثوری لباسی پشمینه و زیر به تن کرده و امام لباس نازکی به تن کرده بود. سفیان به امام گفت: به درستی که امیرمومنان همیشه لباسهای درشتی به تن می‌کرد. چرا در این روش به او اقتدا نمی‌کنی؟! امام صادق (علیه السلام) پاسخ داد: امیرمومنان در زمان تنگدستی مسلمانان زندگی می‌کرد. این گشایش که امروز در بین مسلمانان به وجود آمده، در آن روز نبوده است. ما قومی هستیم که اگر خدا بر ما گشایش داد، بر خود گشایش می‌دهیم و هرگاه بر ما تنگی گیرد، بر خودمان چنان کنیم. خداوند دنیا را برای مؤمن آفریده است، نه برای کافر زیرا او ارزشی نزد خداوند ندارد. اگر امیرمومنان علی (علیه السلام) در این زمان به سر می‌برد هرگز آن لباسهایی که در آن روزگار می‌پوشید را به تن نمی‌کرد، تا نگویند او ریاکاری می‌کند و لباس شهرت می‌پوشد. امیرمومنان امام و والی مسلمانان بود و بروالی مسلمانان سزاوار نیست که از نظر زندگی و معاش بالاتر از فقرا باشد. حضرت علی (علیه السلام) در جواب کسانی که به وی گفتند: تو شب را گرسنه می‌مانی در حالی که ملک و خلافت از آن تو است فرمود: بیم آن دارم که سیر شوم در حالی که در «یمامه یک نفر با شکم گرسنه شب را سپری کرده باشد. من والی نیستم. خلافت از ما غصب گردیده است. اگر والی بودم، در این جهت به آن حضرت اقتدا می‌کردم. امام صادق (علیه السلام) به سفیان ثوری فرمود: نزدیک من بیا! او پیش حضرت آمد. حضرت پیراهن پشمی و زیر سفیان را کنار زد و پیراهن ابریشمی را که سفیان در زیر لباس‌های خود به تن کرده بود، به او نشان داد و آن گاه فرمود: سفیان! نگاه کن که در زیر این پیراهن‌های نازک که به تن دارم، چه می‌بینی؟ سفیان با تعجب دید که آن حضرت پیراهن پشمی زبری در زیر لباس‌های خود به تن کرده است. امام فرمود: سفیان! این لباس زیرین را برای خدا به تن کرده‌ام و پیراهن دیگر را جهت اظهار نعمت پروردگار پوشیده‌ام. [۱۰]. در این گفت و گو به نکات فراوان و قابل توجهی می‌توان دست یافت. امام صادق (علیه السلام) با این که می‌دانست. وی فردی ریا کار و منحرف است اما در وهله اول، خواست تا با دلیل و برهان او را خلع سلاح نماید و سپس او را رسوا گرداند. امام صادق (علیه السلام) با نشان دادن لباس ابریشمی سفیان، به دیگران فهماند که لباس‌های پشمینه ی او برای فریب عوام است، نه برای خدا. دومین گامی که امام صادق (علیه السلام) جهت افشای چهره ی این گروهک منحرف برداشت، رسوا کردن پایه گذاران آن بود. از این رو می‌بینیم وقتی که از آن حضرت درباره ابوهاشم کوفی سؤال می‌شود، در جواب می‌فرماید: او فردی بسیار فاسد العقیده است. وی همان کسی است که مذهبی را به نام صوفیه پایه گذاری و تاسیس کرد و آن را راه فراری برای عقیده خبیث و فاسد خودش قرار داد. [۱۱]. سومین گام امام صادق (علیه السلام) در مقابله با گروه منحرف صوفیه، هشدار امام به مسلمانان بود که فریب آنها را نخورند و تحت تاثیر افکارشان قرار نگیرند. آن حضرت در جواب فردی که از وی درباره ی صوفی‌ها سؤال کرده بود، فرمود: آنها دشمنان ما هستند. هر کس به آنان میل پیدا کند جزو آنهاست و همراهشان محشور خواهد شد. زود است گروهی که مدعی محبت ما می‌باشند از آنان پیروی کنند... هان! اگر کسی به سوی این گروه میل پیدا بکند از ما نخواهد بود و ما از او بیزار هستیم و هر که آنها را انکار کند همانند کسی است که به جنگ با کفار و منافقین پرداخته است. [۱۲].

راهزنان امت اسلامی

عقاید فاسد و برخورد ریاکارانه و منافقانه صوفیه آن چنان خطرناک بود که پس از گذشت یک قرن از پیدایش این گروه انحرافی، امام حسن عسکری (علیه السلام) با نقل حدیث از امام صادق (علیه السلام) دست به یک روشنگری جدید علیه این گروه زد. امام

حسن عسکری (علیه السلام) در پایان این روشنگری می‌فرماید: امام صادق (علیه السلام) به ابوهاشم جعفری فرمود: ای ابوهاشم! زود باشد که زمانی فرا رسد که مردم خندان باشند و دل‌هایشان سیاه و تیره، سنت در میان آن‌ها بدعت به حساب آید و بدعت در میان آن‌ها سنت، مؤمن در میان آن‌ها خوار و بی‌مقدار باشد و فاسق عزیز و صاحب اعتبار، امیران آن‌ها نادان و ستمکار باشند، و عالمانشان راهی دربار ظالمان، توانگران آن‌ها توشه فقیران و درویشان را بدزدند، کوچکترهای آن‌ها بر بزرگان پیشی گیرند، هر نادانی نزد آن‌ها مرد آگاهی باشد، هر حلیت‌گری درویش باشد، مردم افراد نیک را از افراد فاسد العقیده تمیز ندهند، میش را از گرگان خونخوار تشخیص ندهند، علمای آن‌ها بر روی زمین بدترین خلق خدا هستند. زیرا میل به فلسفه و تصوف می‌کنند. به خدا قسم! آن‌ها از حق برگشته‌اند و میل به باطل پیدا کرده‌اند، در دوستی با مخالفان ما بسیار مبالغه کنند و در گمراه کردن شیعیان و دوستان ما تلاش فراوان کنند. پس اگر بر منصبی دست یابند از رشوه‌ها سیر نگردند... آگاه باشید که آن‌ها «راهنان ایمان هستند و دعوت کنندگان به کیش ملحدان. پس هر کس آن‌ها را دریابد باید از آن‌ها حذر کند و دین و ایمان خود را حفظ کند. ای ابوهاشم! این چیزی است که پدرم از پدرانش، از جعفر بن محمد صادق علیه السلام برای من نقل کرده است... [۱۳].

باورقی

[۱] حدیقه الشیعه، ص ۵۶۰.

[۲] ذرایع البیان، ج ۲، ص ۳۲، به نقل از منهاج البراعه، ج ۱، ص ۱۷۶.

[۳] تحف العقول، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۳۶۳.

[۴] حشر، آیه ۹.

[۵] انسان، آیه ۹.

[۶] فرقان، آیه ۶۷.

[۷] انعام، آیه ۱۴۱.

[۸] اسراء، آیه ۳۱.

[۹] تحف العقول، ص ۳۶۳.

[۱۰] ذرایع البیان، ج ۲، ص ۴۸.

[۱۱] حدیقه الشیعه، ص ۵۶۴.

[۱۲] ذرایع البیان، ج ۲، ص ۴۱.

[۱۳] حدیقه الشیعه، ص ۶۵۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۰۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

